



# قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران

مکاتب علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
فصلنامه مطالعات تاریخی  
پرتال جامع علوم انسانی

## قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران

● محمد حسن نیا\*

### مقدمه

از میان قراردادهای سه گانه ۱۹۰۷ م. که میان انگلیس و روسیه بسته شد<sup>۱</sup> قرارداد ۱۹۰۷ راجع به ایران یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین آنها به لحاظ موقعیت استراتژیکی و اقتصادی ایران و نیز مفاد قرارداد و نحوه اجرای آن است. این قرارداد از جمله وقایع تاریخی است که اسناد متنوع بسیاری (گزارش سفارت‌خانه‌های ایران و اروپا، نامه‌های وزارت امور خارجه، اخبار و روزنامه‌ها و...) از آن در بایگانی‌ها و آرشیوهای کشورهای مختلف موجود است. موقعیت اقتصادی و سیاسی افغانستان، تبت و به ویژه ایران، روس و انگلیس را وامی‌داشت که با توجه به پیشینه رقابت‌های توسعه‌طلبانه که داشتند، با حساسیت و دقت بیشتری منافع خود را در متن قرارداد لحاظ کنند.

از سوی دیگر، از آن جا که در این زمان کشورهای آلمان، آمریکا، چین و ژاپن نیز در منچوری و راه آهن این منطقه سرمایه‌گذاری کرده بودند به نوعی منافعی با این قرارداد در تداخل قرار می‌گرفت. از میان قراردادهای سه گانه ۱۹۰۷، قرارداد مربوط به ایران در بیشتر موارد با آلمان و منافع این کشور نوظهور در رقابت‌های اقتصادی جهان مرتبط بود؛ به ویژه آنکه آلمان با ساخت خط آهن برلن - بغداد و تلاش برای امتداد آن تا خلیج فارس، سعی در ایجاد پایگاه برای نفوذ در منطقه داشت.

### چگونگی شکل‌گیری قرارداد ۱۹۰۷م. روس و انگلیس

رقابت روس و انگلیس به طور مشخص از اوایل سده نوزدهم آغاز شد و به تدریج در اوایل سده بیستم میلادی به اوج خود رسید. ترس انگلیسی‌ها بیشتر از دستیابی روسیه به هندوستان بود. به همین دلیل موقعیت جغرافیایی ایران که حائل میان هند و روسیه بود، موضوع مورد توجه دو قدرت توسعه طلب گردید. در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی پیشرفت روزافزون نفوذ روسیه در آسیا سیاستمداران انگلیسی را نگران کرده بود. پس، دولت بریتانیا درصدد برآمد که مقام و موقعیت خود را نخست در افغانستان و سپس در تبت و ایران مستحکم سازد.

در زمان نخست‌وزیری دیزرائیلی، انگلستان در این اندیشه بود که برای امنیت کامل هندوستان یک نوع تحت‌الحمایگی بر افغانستان تحمیل کند و این کشور را سپر دفاعی هندوستان در مقابل روسیه قرار دهد. در نتیجه از همان موقع اختلاف دائمی سیاسی میان روس و انگلیس پدید آمد. اما طرح تقسیم ایران از لحاظ استراتژیکی و اقتصادی به دو منطقه نفوذ میان انگلستان در جنوب و روسیه در شمال و استبداد و حاکمیت آنها بر این دو منطقه، نخستین بار در سال ۱۸۷۷م. از طرف سر هنری دراموند ولف،<sup>۲</sup> وزیرمختار انگلیس در تهران، که طرفدار جدی موافقت روس و انگلیس بود، به دولت وقت انگلیس پیشنهاد شد. او عقیده داشت که این طرح از هر جهت به نفع دو کشور است. وقتی انگلیس در سال ۱۸۸۸م. این سیاست را به تزار روسیه، الکساندر، پیشنهاد کرد او پذیرفت که راجع به ایران با انگلستان به توافق برسد.

۱۴۶

سر دنیس رایت، مأمور سیاسی انگلیس در ایران طی این سال‌های سرنوشت‌ساز، از سر هنری دروموند ولف به عنوان «پیشاهنگ فکر انعقاد یک عهدنامه روسیه و انگلیس در مورد ایران» یاد می‌کند.<sup>۳</sup>

پیشنهاد سر هنری ولف مورد توجه سیاستمداران انگلیسی قرار گرفت. لرد کرزن دو سال پس از بازگشت از سفر سیاسی خود به ایران، که مطالبی نیز در مورد آثار تاریخی و جغرافیای تاریخی ایران نوشته بود، پس از پیشنهاد ولف اظهار داشت:

برتری و نفوذ روس‌ها در شمال باید با تفوق انگلیسی‌ها در جنوب متعادل و متوازن باشد. لزومی ندارد صحبت از تقسیم ایران از لحاظ ارضی به میان آید. زیرا من تصور می‌کنم که هیچ یک از دو قدرت مایل به چنین اقدامی نیست و حاضر به قبول چنین باری برای اضافه کردن به بار مسئولیت خود نخواهد بود. تقسیم یا نفوذ و یا نظارت در ایران چیز دیگری است و با چنین مردمان فرسوده و روش حکومتی رو به زوال، در آتیه غیرقابل

#### اجتناب است.<sup>۴</sup>

اما تزار روس به رغم موافقت با انگلستان شرایط دو قدرت را این گونه عنوان کرد که: روس و انگلیس در اروپا منافع مشترک ندارند و منافع مشترک آنها در آسیا است و مایل است دوستانه در آسیا با انگلیس زندگی کند و اساسی گذاشته شود که دوستی دو کشور را میسر سازد.<sup>۵</sup>

ولی این که چرا به توافقی در آن زمان نرسیدند شاید یکی از دلایل پیگیری نکردن این مسئله از طرف انگلیس و سیاست توسعه طلبانه آن کشور بوده است.

انگلیسی‌ها در نیمه دوم سده نوزدهم همیشه از مقاصد روس‌ها در آسیا در ایران بیمناک بودند. در مقابل، روس‌ها نیز از سیاست انگلیس درباره متصرفات روسیه در آسیای میانه و نفوذ در ایران نگرانی داشتند. بنابراین شرایط، به نظر می‌آید که قرارداد ۱۹۰۷ م. دقیقاً در راستای حل مشکلات دو کشور از جهت اختلاف استراتژیکی آنها، منعقد شده است. روزنامه نوویه ورمیا در سال ۱۸۸۹ م. در مورد دیدگاه دولتمردان روسیه می‌نویسد:

سیاستمداران انگلیس قبلاً ایران را تقسیم کرده‌اند. جنوب تحت نفوذ انگلیس در می‌آید و شمال تحت نفوذ روس. آیا کافی است که با همین رمل و اسطرلاب طالع روسیه را بخوانیم و آیا انگلستان نیروی آن را دارد که در برابر نفوذ ما در جنوب مقاومت کند آن هم چنانچه قرار باشد این نفوذ با کشیدن سیصد چهار صد ورست [واحد پول روسی] راه‌آهن تقویت شود؟ نفوذ ما در شمال متکی به حقیقت قطعی و مسلم مجاورت ارضی است حال آن که ادعای انگلیس نسبت به جنوب مبتنی بر تصرف عدوانی خلیج فارس است که هیچ کس آن را به رسمیت نمی‌شناسد. انگلستان ممکن است تا وقتی دلش می‌خواهد آن خلیج را ملک طلق خود بداند و به طور غیررسمی نماینده مقیم خود را در بوشهر فرمانروای خلیج بخواند. اما روسیه هرگز این ادعا را به رسمیت نخواهد شناخت.<sup>۶</sup>

این دیدگاه دولتمردان روسیه نشان‌دهنده عدم پذیرش طرح تقسیم ایران از سوی ایشان بود. چرا که آنان نفوذ عظیمی در ایران داشتند و حاضر نبودند راه خود را برای دسترسی به خلیج فارس سد کنند. در این هنگام، اوضاع جهانی و سیاست خارجی روسیه به ویژه در ارتباط با ایران بر وفق مراد آنان بود. از جمله دولتمردان روسیه که مخالف پیشنهاد دراموند وُلف در زمینه تقسیم ایران بود، مورایف، وزیر امور خارجه روسیه، در ابتدای سده بیستم میلادی بود که او درصدد برآمد موقعیت روسیه را در ایران بهتر و نفوذ دولت خود را بیشتر کند و از چندین جهت در فکر انجام این مقصود بود. در این زمان دولت روس در ایران دست بالاتر را داشت و به فکر تقسیم ایران به منطقه نفوذ نبود و نمی‌خواست خود را مقید کند.<sup>۷</sup> تزار استدلال

می‌کرد: «شمال ایران در هر حال در دست روس و یک‌باره دور از دسترس بیگانگان است و اگر رسماً حق انگلیس را یک جانبه در جنوب تصدیق کنیم، با توجه به این که هنوز خیلی مانده است تا آن جا دارای نفوذی مطلق شود، معنی این کار چنین خواهد بود که ما داوطلبانه سدی برای پیشرفت‌های بعدی خود ایجاد کرده‌ایم. زیرا در آینده ممکن است کاملاً از حدود ولایت شمالی به آن سو فراتر رویم.»<sup>۸</sup>

در سال ۱۹۰۲ م. موافقت دیگری بین دو دولت درباره مسائل چین حاصل شد و ایران مجدداً میدان واقعی رقابت و کشمکش آنها گردید. در همان زمان بود که فعالیت روس‌ها در ایران به نقطه اوج رسید و دولت بریتانیا هم به دلیل تأکیدهای لرد کرزن رویه جدی‌تری در ایران پیش گرفت و به لحاظ سیاسی موفقیت‌هایی نیز به دست آورد، اما در شمال ایران نتوانست جلو نفوذ روزافزون روسیه را بگیرد و از این جهت سخت نگران بود.

در نوامبر سال ۱۹۰۳ م. هنگامی که لرد کرزن تصمیم گرفت کمربند امنیت مرزهای هندوستان را تکمیل کند، روس‌ها با خشم و نفرت متوجه شدند که او سرهنگ یانگ هزبند را برای لشکرکشی به تبت آماده کرده است.

بنکندورف، سفیر کبیر روس در لندن، بلافاصله با لرد لنزدون، وزیر امور خارجه انگلیس، ملاقات نمود و به عمل دولت انگلستان اعتراض کرد. وزیر امور خارجه انگلستان پس از رسیدگی به مسئله تبت از مخاطب خود پرسید: «آیا او واقعاً با اختیاراتی که از طرف کنت لامسدورف برای مذاکره به وی داده شده می‌تواند پیشنهادهای مناسبی برای رسیدگی و حل سایر مسائل بدهد؟» بنابراین، لرد لنزدون بار دیگر مسئله تقسیم ایران و در کنار آن افغانستان و تبت را عنوان کرد که با مخالفت بنکندورف مواجه شد. در بهار سال ۱۹۰۴ م. ادوارد هفتم، پادشاه انگلستان تمایل خود را به حل مسائل بین دو کشور به ایزولسکی، سفیر کبیر روسیه تزاری در لندن بیان داشت. اما هنوز شرایط مناسب برای موافقت روسیه با طرح پیشنهادی انگلیس فراهم نشده بود.

در اوایل ۱۹۰۴ م. که طرفداران جنگ در ژاپن بر اوضاع حاکم شدند، مقدمات جنگ روس و ژاپن فراهم گردید و پس از آغاز منازعه و فتوحات پی‌درپی در جنگی تاریخی که در سال ۱۹۰۵ م. به پیروزی ژاپن و شکست روسیه منجر شد، مطبوعات انگلیس به تکاپو افتادند و از طرح توافق با روسیه طرفداری کردند و زمینه مساعدی برای شروع مذاکره برای انعقاد قرارداد فراهم شد.

البته طی مذاکراتی غیررسمی که بین بنکندورف و هاردینگ سفیر کبیر انگلیس مقیم دربار روسیه انجام گرفت، وضعیت و موقعیت روسیه بهتر مورد بررسی قرار گرفت و بنکندورف

اعلام کرد که مذاکرات می‌بایست بر پایه موضوعات زیر انجام گیرد: منچوری، به عنوان مسئله‌ای که در آن منافع روسیه اولویت داشت، آسیای مرکزی، از نقطه نظر دفاع از منافع هند، ایران، به عنوان منطقه‌ای که انگلستان و روسیه هر دو در آن منافع مهم و مساوی داشتند. در این صورت درباره آسیای مرکزی حاضر به شناسایی نفوذ کامل انگلستان در مناطق هم‌جوار هندوستان بود. در عین حال اعلام کرد که حق برقراری روابط مستقیم با افغانستان در زمینه‌های کاملاً جدا از مسائل سیاسی را برای خود محفوظ می‌داند.<sup>۹</sup> ضمناً در این باره حاضر به دادن تضمین‌هایی نیز هست. این مسائل قبل از جنگ ژاپن با روسیه در ۱۹۰۵ م. و شکست روسیه بود.

در این زمان روزنامه‌های روس و انگلیس نیز اخباری از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ می‌دادند و روزنامه ماتن پاریس دلیل پذیرفتن شرایط انگلیس توسط روسیه در مورد قرارداد ۱۹۰۷ را عدم توانایی روسیه در جلوگیری از نفوذ انگلیس در ایران می‌داند.<sup>۱۰</sup> روزنامه استاندارد نیز ادعا می‌کند که مذاکرت روس و انگلیس در مورد قرارداد پیشرفت خوبی دارد با اطمینان می‌توان منتظر عقد اتفاق قطعی گردید.<sup>۱۱</sup>

۱۴۹ برخی از روزنامه‌های انگلیس نیز به قدرتمند شدن آلمان و راه آهن بغداد اشاره کرده و آن را عاملی در تسریع انعقاد قرارداد بین روس و انگلیس می‌دانند.<sup>۱۲</sup> سرانجام در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ ه ق) سه قرارداد بین ایزولسکی وزیر امور خارجه روسیه و نیکلسن سفیر انگلیس در روسیه به امضا رسید که به موجب قرارداد اول افغانستان در منطقه نفوذ انگلیس قرار گرفت، تبت جزئی از منطقه نفوذ روسیه شناخته شد و ایران نیز طبق قرارداد ۱۹۰۷ مربوط به ایران به سه منطقه تقسیم گردید. شمال منطقه نفوذ روسیه، جنوب منطقه نفوذ انگلیس و مرکز منطقه بی طرف متعلق به دولت ایران شناخته شد. دولت ایران نیز طی یادداشت دوم نوامبر عدم پذیرش قرارداد را به اطلاع دولت‌های روس و انگلیس رسانید.<sup>۱۳</sup>

### بنیان قرارداد ۱۹۰۷ م. و نقش آنها در انعقاد قرارداد ۱- سر ادوارد گری:

ترولیان، مورخ شهیر انگلیسی در شرح حال سر ادوارد گری می‌نویسد او بانی واقعی قرارداد ۱۹۰۷ م. روس و انگلیس بود. دو عامل باعث شد سر ادوارد گری این قسمت از سیاست منطقی لرد لندون، وزیر خارجه سابق انگلیس را در مناطق جدید عملی سازد. یکی آن که از این راه رقابت‌ها و مشاجرات روس و انگلیس در حدود ایران، هند و افغانستان و

در مسائل داخلی ایران را خاتمه دهد و مانع بروز جنگ میان روس و انگلیس شود. دلیل دیگر، پیشامد بحران مراکش میان آلمان و فرانسه بود. سر ادوارد گری از احتمال وقوع جنگ بین روس و انگلیس سخت بیمناک بود؛ زیرا از چنین واقعه خطرناکی فقط دولت قوی آلمان می‌توانست بهره‌مند شود؛ به علاوه ممکن نبود انگلیس با فرانسه اتحاد و دوستی داشته باشد ولی با متحد فرانسه یعنی روسیه برای پیش بردن مقاصد خود در آسیا، و با آلمان در اروپا قرارداد امضا کند و قضایا به زیان انگلستان تمام شود. به همین علت، در حین مذاکرات کنفرانس مراکش، سر ادوارد گری به آرتور نیکلسن که نماینده انگلیس در آن کنفرانس بود، می‌نویسد انعقاد یک قرارداد اتحاد بین روسیه و فرانسه و انگلستان امنیت ما را کاملاً تضمین خواهد کرد و سر اسپرینگ رایس، وزیرمختار انگلیس در تهران نوشته بود:

نه نیاز به امضای قراردادی با روسیه راجع به ایران قابل انکار است و نه اشکالاتی که در این امر وجود دارد. از طرفی مقاومت در برابر تمایل افراتیان روس برای اشغال و تصرف ایران البته از طرف خود ایرانیان عملی نبود و اگر از راه دیپلماسی و سازش سیاسی، انگلیس این کار را نمی‌کرد، چاره‌ای برای جلوگیری از اشغال ایران از جانب روس‌ها و نزدیک شدن آن به خلیج فارس و حدود هندوستان نداشت. مگر این که با روسیه از در جنگ درآمده باشد. آنهایی که از سیاست امضای قرارداد روس و انگلیس انتقاد کرده‌اند، هیچ نگفته‌اند که کدام یک از دو راه حل دیگر را بیشتر می‌پسندیدند. آیا اشغال ایران به واسطه قوای روس یا اقدام انگلیس به جنگ علیه روسیه.

در آن موقع، افکار عمومی در انگلستان و حتی افراد رادیکال حزب سر ادواردگری و کارگران انگلیس طرفدار مقاومت در مقابل روسیه بودند که ممکن بود منجر به جنگ شود و سیاست انگلیس‌ها را در این باب که باید شمال ایران را نیز از خطر روس مصون داشت، به واسطه طرز حکومت ظالمانه و جبار تزاری تأیید می‌شد و با آن که سر ادوارد گری به دستگاه دولتی روسیه اعتماد نداشت برای پیشرفت منظور سیاسی خود ناگزیر بود با آنها کنار بیاید. در هر حال سر ادوارد گری امضای این قرارداد را یک سیاست خوب و به نفع انگلیس می‌دانست. چون می‌گفت هر چند امتیازات حریف در این قرارداد بیشتر است ولی از لحاظ استراتژیکی ما موفقیت واقعی داشته‌ایم. چنان که در سپتامبر ۱۹۰۷ به یکی از دوستان خود نوشته بود: «گمان می‌کنم تفسیرات روزنامه‌ها در باب قرارداد ما با روسیه زمینه و تصوراتی برای اظهارنظر شما فراهم می‌کنند، جواب افراتیون که می‌گویند اصلاً لازم نبود قراردادی با روس امضا کنیم این است که بدون تحصیل موافقتی با روس‌ها در آسیا تصادمات مابین ما و آنها رفته رفته بیشتر و دیر یا زود منجر به عواقب

وخیم و شاید هم بروز جنگ و موجب هزینه‌های هنگفت نظامی می‌گردید. شما ممکن است این نظریه را بر این اصل مبتنی سازید که برای رفع موجبات دشمنی و تصادم با دادن امتیازات متقابل، موافقت و سازش کاملاً با موازین آزادی‌خواهی تطبیق می‌نماید و غفلت و اهمال در رفع این‌گونه موجبات باعث سوء تفاهمات دایمی بین ملل و منتهی به منازعه و جنگ خواهد گردید. خلاصه به انتقادکنندگان باید گفت که به جای امضای قرارداد ناچار بودیم سیاست دامنه‌داری در پیش بگیریم و سواحل خلیج فارس و حدود سیستان و افغانستان را اشغال کنیم و برای دفاع [از] این نقاط هم حاضر به جنگ باشیم در صورتی که با این سازش سیاسی، ما شمال خلیج فارس و حدود سیستان را مصون ساخته‌ایم و این موضع نیز از لحاظ سوق‌الجیشی برای ما اهمیت حیاتی دارد و اگر تهران هم در منطقه روس‌ها افتاده تقصیر وضع جغرافیایی است و انگهی تهران قبل از عقد قرارداد نیز در تحت نفوذ روس قرار داشت.»<sup>۱۴</sup>

در ۱۹ ژانویه ۱۹۱۲ سر ادوارد گری به یکی از دوستان خود می‌نویسد:

از قرار معلوم روزنامه دیلی نیوز به من حمله می‌کند که چرا قرارداد را امضاء کرده‌ای ولی اگر آنها از وزارت من هم خلاص بشوند باز نمی‌توانند مقصود خود را حاصل کنند چون عملی نخواهد بود و اگر ما در آسیا سیاستی را که آنها پیشنهاد می‌کنند، تعقیب می‌کردیم لازم بود برای امنیت و حفظ حدود هند تدارکات نظامی فراهم سازیم و در آسیا دوست و همدستی نداشته باشیم و چون آنها ما را از مداخله داخلی دیگران منع می‌کنند اگر این طور نیز عمل کرده بودیم باز روابط انگلستان با همه وضع نامطلوبی پیدا می‌کرد ولی البته حداکثر مداخله و همچنین حداقل دوستی و موافقت نیز خیلی زیان‌آور است. مواضع دولتمردان و کارگزاران روس و انگلیس در آن ایام به خوبی رویکرد قدرت‌های استعماری را نسبت به مناطق تحت اشغال و نفوذشان نشان می‌دهد. آنها کمترین اعتنایی به دولت و مردم و حقوق آنها در سطوح و ابعاد مختلف آن نداشتند و تنها به توسعه نفوذ و منافع خود می‌اندیشیدند و بر آن اساس برنامه‌ریزی و اقدام می‌کردند.

قبل از امضای این قرارداد سیاست انگلیس مخالف و مبارزه با سیاست روسیه بود. به هنگام جنگ کریمه و هم‌چنین در کنگره برلن همین رویه را نسبت به آن دولت داشتند و در خاور دور هم به همین ترتیب عمل کرده بودند. ولی به عقیده سر ادوارد گری این سیاست درستی نبود و در آسیا برای هندوستان ایجاد اشکال و خطر می‌کرد. وقتی که قرارداد ۱۹۰۷م. در شرف امضا بود، نفوذ روسیه در شمال ایران رو به افزایش و شاه زیر نفوذ روس‌ها بود و مشروطه‌خواهان ایران با روسیه که حامی شاه مستبد بود، مبارزه می‌کردند و اگر انگلستان



در این مبارزه به آزادی خواهان کمک می کرد، برخلاف روح قرارداد می بود؛ چون انگلیس در قرارداد مزبور تعهد کرده بود که در از بین بردن نفوذ روس در شمال ایران اقدامی نکند مگر آن که آماده جنگ باشد.

در فوریه ۱۹۱۴ سر ادوارد گری به سفیر جدید انگلستان در پترزبورگ می نویسد:

اینجا شکایت نسبت به طرز اجرا و نتیجه قرارداد درباره ایران موجود است. چون قرارداد ۱۹۰۷م. بر اصل حفظ استقلال ایران امضاء شده و حال روس ها برای حمایت از شاه به شمال ایران قوا وارد کردند و کنسول های روسیه همواره در کارهای ایران مداخله می کند و من از این جهت خبری ندارم چون قبل از قرارداد هم روس ها در شمال ایران و در تهران نفوذ و تسلط داشتند ولی اشغال نظامی شمال ایران از طرف روس ها و اینکه هیچ گونه اثر و علامتی جهت تخفیف این مداخلات دیده نمی شود و به علاوه تجارت روس ها، تجارت انگلستان را در شمال ایران از بین برده و به واسطه مشکلاتی که در راهها و جاده های جنوبی ایران هست تجارت ما به کلی فلج مانده و ممکن است نفوذ بازرگانی روسیه حتی جنوب ایران را که خارج از منطقه او است بگیرد و این اوضاع در اینجا باعث نگرانی شده و اگر به جای این که برای دولت ایران مشکلاتی ایجاد نماید، فقط درصدد باشند قوای قزاق ایرانی را مرتب کنند و قشون خود را از ایران بیرون ببرند و دستور بدهند کنسول های آنها در کارهای مملکت دخالت نمایند در این صورت امیدواری بیشتری برای تسکین افکار عمومی در اینجا و زمینه بهتری برای پیشرفت کار راه آهن سراسری ایران فراهم خواهد گردید.<sup>۱۵</sup>

لازم به ذکر است که سر ادوارد گری در سپتامبر ۱۹۰۵ در کابینه حزب آزادی خواهان انگلیس، وزیر امور خارجه و جانشین لرد لندون شد. وی تا آن وقت در صحنه سیاست انگلستان شهرت چندانی نداشت و از مدارج پایین در وزارت خارجه انگلیس به این مقام عالی رسید و هیچ وقت هم مأمور سیاسی در خارج از کشور نبود. اما از طرفداران جدی این نظریه بود که انگلستان برای انحراف از سیاست انزوا نیازمند به همکاری و موافقت با دولت روسیه است. او حتی پیشنهاد کرده بود بین دو دولت پیمانی درباره مسائل آسیایی منعقد گردد. همچنین، هنگامی که هنوز به منصب وزارت نرسیده بود، اعتقاد داشت که امضای قرارداد با روس مکمل پیمان دوستی فرانسه و انگلیس است و موجب روابط خوب آن دو می شد. او همچنین طی اظهار نظر دیگری عنوان کرده بود که هر حکومتی در انگلستان با خوشوقتی حاضر خواهد شد که دست روسیه را در خاورمیانه باز بگذارد، به شرط آن که این امر منجر به یک موافقت عمومی میان دو دولت بشود.<sup>۱۶</sup> کابینه لیبرال انگلستان از همان

آغاز زمامداری تصمیم گرفت با دولت روس کنار بیاید.

## ۲- ایزولسکی:

او در ماه مه ۱۹۰۶ بر مسند وزارت امور خارجه روسیه قرار گرفت. در آغاز کار همان‌طور که خود اعتراف کرده است نسبت به مسائل آسیا اطلاعات چندانی نداشت و در جریان امور آن نبود، اما حداقل برخلاف وزیر امور خارجه پیشین، لمسدورف، که به پیروی از رئیس دولت خود از آلمان‌ها طرفداری می‌کرد، مردی بود مصمم که برای رسیدن به توافق با انگلیسی‌ها در آسیای مرکزی با جدیت تلاش می‌کرد.<sup>۱۷</sup>

ایزولسکی در انگلستان تحصیل کرده بود و در ادبیات انگلیسی دست داشت و متمایل و موافق به دوستی با انگلیس بود. بنابراین، با رسیدن او به وزارت امور خارجه مذاکرات به سرعت پیش رفت و در همین زمان بود که مقاله مهمی در روزنامه *استاندارد* لندن منتشر شد که اظهار می‌داشت انگلیس و روس درباره مسائل مورد مناقشه در عثمانی و ایران و افغانستان و تبت به زودی موافقت حاصل خواهند کرد.<sup>۱۸</sup> این خبر تأثیر بسیار بر محافل سیاسی اروپا مخصوصاً در میان سیاستمداران آلمان گذارد و درصدد تحقیق از صحت و سقم این موضوع برآمدند. وزیر خارجه روسیه به سفیر آلمان در پترزبورگ، فون شون گفت که هر چند مطالب مقاله مزبور صحت ندارد، اما برای تثبیت وضع فعلی روس و انگلیس در آسیا مذاکراتی شروع شده است که ارتباطی با موضوع ترکیه و راه‌آهن بغداد و احتمال صدمه به منافع آلمان ندارد.<sup>۱۹</sup>

۱۵۳

## ۳- ادوارد هفتم:

پادشاه انگلیس هم از افرادی بود که به اتحاد با روس علاقه‌مند بود و آن را در راستای منافع سیاسی انگلیس می‌دانست. شیوه سیاستگذاری خارجی انگلیس بین سال‌های ۱۹۰۷ - ۱۹۰۱ م. بدین‌گونه تغییر یافت که دو تن از سیاستمداران صاحب‌نظر و تأثیرگذار آن از صحنه سیاست خارج شدند. اولین و مهم‌ترین آن دو، ملکه ویکتوریا بود که در سال ۱۹۰۱ م. درگذشت و ادوارد هفتم جانشین او شد. ملکه، طرفدار اتحاد با آلمان بود. زیرا ویلهلم دوم، نوه او بود و همیشه از قوای آلمان به نفع انگلستان استفاده می‌کرد. برعکس ادوارد هفتم با خواهرزاده خود میانه خوبی نداشت و بیشتر متمایل به نزدیکی با روس‌ها بود. معاهده ۱۹۰۷ م. در زمان او بسته شد.

نفر دوم، لرد سالزبوری بود که در سال ۱۹۰۲ م. از ریاست دولت استعفا داد.<sup>۲۰</sup> ملکه

ویکتوریا ۶۰ سال سلطنت کرد و لرد سالزبوری نیز از بهترین وزرای خارجه انگلیس بود. او که از اعضای بلندپایه حزب محافظه‌کار بود سه بار توانست بر مسند رئیس‌الوزرای انگلیس تکیه زند. پس، هنگامی که این دو از سیاست کنار رفتند، تغییراتی در برخی ابعاد سیاست خارجی انگلستان به وجود آمد.

### ۴- سر چارلز هاردینگ:

او نیز از دیگر افرادی بود که به نزدیکی سیاست انگلیس با روسیه و اتحاد آن دو اعتقاد راسخ داشت و این امر را به سود منافع روس و انگلیس می‌دانست. پس از شکست روسیه در جنگ با ژاپن که موجب کاهش قدرت روسیه در سطح بین‌المللی شد، جریان مذاکرات مربوط به قرارداد به‌گونه‌ای تحت تأثیر قرار گرفت که در حین مذاکره، انگلیسی‌ها در واقع طرف قوی به شمار می‌آمدند و به همان اندازه که محافظه‌کاران در کنار آمدن با روسیه تلاش می‌کردند لیبرال‌ها نیز از همان ابتدای کار رویه اتحاد با روس‌ها را پیش گرفتند. سر چارلز هاردینگ، سفیر انگلیس در پترزبورگ که طرفدار سیاست سازش با روسیه بود، به لندن احضار شد و به عنوان معاون وزارت خارجه انگلیس تعیین گردید. پس، در غیاب سفیر، سر اسپرینگ رایس به انجام کارهای سفارت پترزبورگ متعهد شد.<sup>۲۱</sup>

۱۵۴

### ۵- سر آرتور نیکلسن:

وزیرمختار انگلیس در پترزبورگ از دیگر افراد طرفدار اتحاد انگلیس با روسیه بر سر مسائل جهانی و از جمله قراردادهای ۱۹۰۷ م. بود. هنگام ورود او به روسیه امپراتور روسیه استقبال شایانی از او کرده بود و امپراتور به خوبی می‌دانست که او خواستار اتحاد روسیه با انگلیس است.<sup>۲۲</sup> در این هنگام، عده‌ای که نیکلسن هم از آن جمله بود، اعتقاد داشتند که از میان روسیه و آلمان، روسیه برای دوستی با انگلیس قابل اعتمادتر است و کمتر از آلمان در اندیشه جهانگیری است. شیوه خشن آلمان در جنگ انگلیس و ترانسوال و سیاست آلمان در ترکیه و غرب آسیا و تندروی دولت آلمان در بحران مراکش و توسعه سریع نیروی دریایی آلمان، همه موجب نگرانی و باعث پیدایش این نظریه شده بود.<sup>۲۳</sup> به هر روی از منظر انگلیسی‌ها، روسیه شکست خورده از ژاپن که درگیر ناآرامی‌ها و انقلاب‌های درونی بود به مراتب، بهتر از آلمان در حال قدرت گرفتن در اروپا می‌بود. چرا که آلمان، هم از نظر موقعیت جغرافیایی به انگلیس نزدیک‌تر بود و هم قدرت‌گیری او در اروپا به ویژه ایجاد و پیشرفت نیروی دریایی آن کشور نمی‌توانست از دید دولتمردان انگلیس پنهان بماند ولی

روسیه ابتدای سده بیستم میلادی به لحاظ سیاست داخلی و خارجی با روسیه سده نوزدهم فرق می‌کرد. بدین ترتیب، پی‌گیری این سیاست‌ها و اتحاد با روسیه با میانجیگری فرانسه - که همیشه از آلمان واهمه داشت - یکی از زمینه‌های بروز جنگ جهانی اول و اتفاق مثلث گردید و این مسائل همگی نشان‌دهنده اهمیت قراردادهای ۱۹۰۷ م. و پیامدهای آن در سطح رابطه قدرت‌های استعماری جهان در آن ایام است. به علاوه این قرارداد رویکرد بیگانگان در غارت منابع و پایمال کردن حقوق دولت‌ها و ملت‌ها را در مناطق مستعمره و تحت نفوذ معلوم می‌کند.

### اوضاع داخلی ایران همزمان با قرارداد ۱۹۰۷ م. و واکنش دولتمردان ایران به این قرارداد

در این سال‌ها اوضاع اقتصادی ایران بسیار بغرنج بود. درآمد ناخالص ملی یا به اصطلاح تولید ناخالص یک کشور، حتی در کشورهایی که آمارهای مفصل و دقیقی دارند، مشکل و تقریبی است. در ایران دوران قاجاریه هیچ یک از این آمارها وجود نداشت. ژ. بهاریر از روی اطلاعاتی که از گزارش‌های مختلف به دست آورده است، محاسبات سال ۱۹۰۰ م. (۱۲۷۸ ش.) را ارائه داده است. این حساب‌ها اگر چه تقریبی و غیردقیق است، اما نمایی از ابعاد کلی درآمد ملی ایران را در آن زمان نشان می‌دهد. بنابراین، ارائه آن مهم به نظر می‌رسد. میزان کل سرمایه ثابت ۳۰۰ میلیون ریال برآورد شده است که ۱۲ درصد آن را واردات ماشین‌آلات و ابزار و ۸۸ درصد بقیه را هزینه‌هایی که برای ساختن ابزار و ادوات محلی و از همه بیشتر در خانه‌سازی و کارگاه‌های دیگر صرف شده، تشکیل می‌داده است. روی هم رفته، به طور متوسط در سال‌های میان ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۸ م. رشد تشکیل سرمایه ثابت ۰/۵ در سال بوده است و دولت تقریباً هیچ سهمی در افزایش سرمایه ثابت کشور نداشت.<sup>۲۴</sup> برای احتساب هزینه‌های مصرفی، ژ. بهاریر، گزارش‌های سایکس را مبنای قرار داده است. او مصرف متوسط ماهیانه گندم مردم شمال شرقی ایران را ۵۰ پوند (تقریباً ۲۳ کیلوگرم) نوشته است. اگر در سال ۱۹۰۰ م. این مقدار گندم در شمار ماه‌ها و جمعیت ایران ضرب شود و به آن ۳۰ درصد بابت مصارف غیر از گندم اضافه گردد، در یک جمع تقریبی سه هزار و صد میلیون قران به دست می‌آید. حداکثر هزینه‌های دولتی هم ۶۷ میلیون قران تخمین زده شده است که برابر درآمد متوسط سالیانه دولت در سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۰ م. بوده است و یک قسمت از این سهم را هم نقل و انتقالات ملی به وجود آورده است. با این احتساب چون عوامل دیگر اهمیت چندانی نداشته، میزان کل تولید ناخالص ملی ایران در ۱۹۰۰ م.

سه هزار و پانصد میلیون قران، برابر ۷ میلیون لیره انگلیس برآورد شده است. پس در ۱۹۰۰م. درآمد متوسط سرانه هر ایرانی ۳۵۰ قران می‌شده است.

آنت دستره نمودار عملکرد گمرک ایران را این‌گونه ارزیابی می‌کند:

درآمد گمرکات ایران رو به کاهش گذاشت. این کاهش در اثر بدی محصول تریاک ادامه

یافت ولی اهمیت قبل را نداشت.<sup>۲۵</sup>

به لحاظ سیاسی، کشور در این سال‌ها در تب و تاب حوادث مشروطیت بود و مخالفان و موافقان مشروطیت در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده بودند و اوضاع داخلی ایران چه قبل از انعقاد قرارداد و چه بعد از آن - مصادف با تشکیل مجلس شورای ملی و امضای فرمان مشروطیت - بسیار وخیم بود و ناامنی در سراسر کشور بیداد می‌کرد. کابینه‌ها و وزرا پشت سر هم عوض می‌شدند و افکار عمومی بیشتر متوجه اوضاع داخلی بود تا مناسبات خارجی. رقابت گروه‌ها و طرفداران مشروطه و مخالفان آن حتی در برخورد ایران با اوضاع جهانی نیز هویدا بود.

از سوی دیگر، در ۳۱ اوت ۱۹۰۷، همان روزی که قرارداد روس و انگلیس راجع به ایران در سن پترزبورگ به امضا رسید، امین‌السلطان که در حال گفتگو با سیدعبدالله بهبهانی از عمارت بهارستان بیرون می‌آمد، به دست جوانی به نام عباس آقا صراف آذربایجانی که عضو یکی از انجمن‌های سیاسی بود، گلوله خورد و دیرزمانی نگذشت که جان سپرد.<sup>۲۶</sup> در مورد امین‌السلطان منابع گوناگون مطالب مختلفی درج نموده‌اند. کسروی، او را از مواضع پیشرفت مشروطه برشمرده است و عنوان می‌کند:

چنانکه گفتیم، کشته شدن اتابک یک سنگ بزرگی را از سر راه پیشرفت مشروطه برداشت، و امید می‌رفت که در همان روزها یک سنگ بزرگ دیگری در سر راه مشروطه پدیدار گردد و آن پیمان ۱۹۰۷م. دو دولت روس و انگلیس بود که همان روزها در روزنامه‌هاشان پراکنده گردید.<sup>۲۷</sup>

به‌رغم این موارد، اعتراضات شدیدی از طرف دولت و ملت ایران در داخل و خارج نسبت به قرارداد ۱۹۰۷م. صورت گرفت. دولت و مجلس ایران انعقاد قرارداد مذکور را مردود اعلام کردند. در بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، اسناد واکنش‌های مقامات ایران در قبل و بعد از انعقاد قرارداد موجود است.<sup>۲۸</sup> اما بیشترین حمله از طرف ایران نسبت به قرارداد ۱۹۰۷م از سوی روزنامه *حبل‌المتین* صورت گرفت. این روزنامه در شماره‌های مختلف پرده از اسرار سیاست‌های روس و انگلیس در انعقاد این قرارداد برداشته است. از منابع دسته اول بسیار مهم دیگر در زمینه آگاهی یافتن از واکنش ایران به قرارداد ۱۹۰۷م. صورت

مذاکرات دوره اول مجلس قانونگذاری است. در جلسه روز پنجشنبه ۲ رمضان دارالشورای ملی<sup>۲۹</sup>، یکی از نمایندگان به نام آقا میرزا ابوالحسن خان، می‌گوید خوب است اجازه داده شود از وزارت خارجه استفسار نماید جواب سفارت را داده‌اند یا خیر. دوباره می‌پرسد: «می‌خواهم از وزیر امور خارجه سؤال نمایم که جواب مراسله سفارت انگلیس را در باب معاهده فرموده‌اند یا خیر؟» وزیر امور خارجه جواب می‌دهد: «خیر هنوز جواب این مسئله داده نشده [است] ولی مشغولیم. به علت این که چون از جاهای لازمه باید بعضی استعلام‌ها بشود بعد جواب داده خواهد شد.»

باز میرزا ابوالحسن خان می‌پرسد: «همچون مسموع می‌شود که دولت ایران معاهده را تصویب فرموده حقیقت دارد یا خیر؟» وزیر امور خارجه جواب می‌دهد: «خیر صحیح نیست.»<sup>۳۰</sup>

در مذاکرات روز شنبه ۲۶ شعبان ۱۳۲۵ مباحثی راجع به قرارداد ۱۹۰۷ م. در مجلس شورای ملی مطرح شد. رئیس مجلس راجع به قرارداد ۱۹۰۷ م. می‌گوید:

این مراسله‌ای است که از سفارت انگلیس برای وزارت امور خارجه رسیده و ایشان آن قرارنامه را با مراسله فرستادند به مجلس قرائت شود. در این قرارنامه بین دولتین روس و انگلیس آن چه راجع به ایران است، نوشته‌اند.

به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ - ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ جناب مستطاب اجل اکرم افخم با کمال احترام تصدیق افزا می‌گردد برحسب دستورالعملی که از دولت متبوعه دوستدار رسیده شرف دارم که صورت ترتیب منعقد فیما بین دولتین انگلیس [و روس] در مورخه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ را تا اندازه که راجع به دولت علیه ایران است، لفاً ایفاد دارم. محض تسهیل قرائت نوشته مزبوره ترجمه غیرمستند آن را به نسخه فرانسه الحاق داشته محض احتراز از هرگونه اشتباه نیز باید اظهار دارم که مسلم است نسخه فرانسه سندیت خواهد داشت. صورت این قرارداد رسماً به دول معظمه ایفاد خواهد شد. و به زودی نیز انتشار خواهد یافت در این موقع احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

پس از آن ۵ فصل قرارداد خوانده شد. مستشارالدوله می‌گوید:

بر همه معلوم است که مدت‌ها دولت روس و انگلیس در ایران نفوذ پلتیکی و تجاری داشته‌اند و در بعضی نواحی مال بعضی زیادتر بود در حقیقت ایران میدان کاملی بود به جهت آن دو دولت اگر دولت ایران واقف به نقص کار خود بود، می‌دانست در آن حال می‌بایست فوائد و منافع بی‌شمار حاصل نماید ولی متأسفانه موقع را از دست داد و آن مابینت از بین مرتفع شد خیلی جای تعجب است که دو دولت در داخله دولت مستقلی

قرارداد می‌گذارند. معلوم است که دول حقوق تجارتي خود را به هر وسیله باشد برقرار می‌دارند بدون اینکه صاحب‌خانه مطلع باشد، با این قرارداد و معاهده که بین دولتین شده است دولت ایران می‌تواند به هر کسی امتیاز بدهد. ولی در نواحی و جاهایی که امتیاز داده شده باشد، اعم از اینکه طرف دولت انگلیس و روس باشد یا غیر از آنها و هر نقطه و ناحیه که نفع خود را در او ببیند، پس این قرارداد آن اختیار داخلی ما را سلب نخواهد کرد. بر فرض این دو دولت برای خود و رعایای خود قرار داده‌اند ربطی به عمل ما ندارد ما نمی‌توانیم ترتیب مملکت خود را تغییر بدهیم اما این که نوشته شد که گمرکات جنوبی مرهون استقراض است، اگر تأخیر افتاد کنترل بگذارند اگر چه این مسئله با وزیر مالیه است ولی چون در این جا مطرح شد بنده عرض می‌نمایم که در آن قرارداد استقراض گویا چنین شرطی نباشد و در صورت عدم آن حق ندارد و در کنترل که از برای وصول عایدی گمرکات شمالی در صورت تأخیر قسط آن می‌گذارند، آن هم باید موافق با قرارداد استقراض باشد.

وکیل‌التجار می‌گوید:

این دو دولت محترم چون در سابق میان خودشان تجارت و زد و خوردی داشتند می‌خواستند یک قراردادی میان خودشان بگذارند که به تجارت یکدیگر خسارت وارد نیاورند و مزاحم نشوند، اما در باب کنترل اینجا نوشته شده که برای اینکه اطمینان حاصل بشود، حق دارند نه آنکه در صورت نرسیدن قسط، دیگر اینکه باید از وزارت خارجه پرسید که آیا دیگر مطالب محرمانه و قرارداد مخفی هست یا خیر.

رئیس مجلس در ادامه می‌گوید:

آنچه به وزارت امور خارجه نوشته‌اند همین است دیگر نمی‌شود آنها را قسم داد که آیا غیر از این هست یا نیست؟  
و ثوق‌الدوله عنوان می‌کند:

گویا چیزی در این خصوص از آن بیانیه‌ای که جناب مستشارالدوله گفتند اولی تر نباشد ما حاصل مدلول این قرارداد این است که دولت انگلیس در شمال امتیاز نگیرد و دولت روس در جنوب و این ترتیب حال ایران را با سابق تغییر نخواهد داد در هر موقعی دولت ایران می‌تواند به هر یک از دول امتیاز بدهد اما در باب تنزیل با این ترتیب از روی معاهده و قرارداد آن استقراض باشد.

آقامیرزا ابوالحسن خان می‌گوید:

این معاهده ظاهرش چون گور کافر پر خلل و باطنش قهر خدا عزوجل حفظ حقوق

تجارتی و حدود سیاسی مسئله جداگانه‌ای است رجوع به تواریخ گذشته باید نمود که مقصود از تجارت چه بوده است. من چیزی عرض نمی‌کنم همین قدر چیزی را که بعضی از روزنامه‌جات دولت انگلیس گفته‌اند عرض می‌کنم که می‌نویسند در این موقع که دولت ایران پا بجاده مشروطیت گذارده ما از دولت دوستی مثل دولت معظم انگلیس متوقع نبودیم که با یک دولت دوست همسایه دیگر ما چنین قراری بگذارند.

آقاسیدحسن تقی‌زاده می‌گوید:

هر چه بگوییم تأیید مطالب سابقه است، البته همه کس می‌داند از برای دولتی که دو دولت دیگر در خاک او قرارداد بگذارند جای تاسف است ولی این را هم می‌گوییم که دولت ایران می‌تواند حقوق خود را حفظ کند و هیچ خللی بر او وارد نیاید و بعد از تمام مذاکرات می‌توانم بگویم که زنده باد استقلال ایران.

وکیل‌الرعايا عنوان می‌کند:

آرزومندیم که دولت ایران تمام منافع خود را حفظ کند البته این دو دولت مادامی که دوستی ما بین خودشان را طالبند، ما هم تا آن جایی که لازم است حاضر خواهیم بود و این قرارداد هم بدیهی است ما بین خود آنها است و ما می‌توانیم با کمال استقلالی امتیازاتی که مقرون به صواب بدانیم به سایر دول بدهیم.

رئیس مجلس می‌گوید:

فقط مقصود از این قرائت، اطلاع بود البته وزارت امور خارجه جوابی که لازم است خواهد نوشت.

اسدالله میرزا می‌گوید:

آنچه از روزنامه‌جات انگلیس انتشار می‌دهند این است که غرض از معاهده این بوده است که بعدها روس به طرق تجارتی افغانستان و راه دیگر به هندوستان پیدا نکند و هندوستان در تحت حمایت انگلیس بماند گذشته از این، هیأت‌حالیه وزرای انگلستان در کمال صداقت طرفدار آزادی هستند چنانچه در این مدت اخیر ترانسوال را آزادی دادند و ایرلاند [ایرلند] که مدت‌ها است در تحت حمایت انگلیس است، می‌خواهند که پارلمان آزادی بدهند. با وجود این دولت انگلیس هرگز راضی نخواهد شد که به استقلال ایران صدمه وارد آید.

با نگاهی به صورت مذاکرات مجلس و مباحثی که در مجلس شورای ملی میان نمایندگان و رئیس مجلس صورت گرفته است، می‌توان دریافت که برخی دولتمردان آن روز ایران نسبت به اوضاع جهانی آگاهی نسبی داشته‌اند ولی در مورد درک پیامدهای این قرارداد برای



مصلحت و استقلال کشور و اتخاذ تدابیر مناسب نسبت به آن قصور و کوتاهی کرده‌اند که در مقایسه با واکنش روزنامه‌های آن دوره نسبت به این قرارداد، مواضع دولتمردان بسیار ضعیف و ناصحیح بوده است.

عده‌ای در مجلس به قرارداد ۱۹۰۷ م. واکنش نشان دادند و در گفته‌های آنها نوعی اعتراض آشکار است. در این رابطه، مطالب بیشتری در صورت جلسات مجلس شورای ملی راجع به قرارداد ۱۹۰۷ م. وجود دارد که تنها به دو گزارش به عنوان نمونه بسنده شد تا بدین ترتیب واکنش مجلس شورای ملی و نمایندگان مجلس به قرارداد ۱۹۰۷ م. بدون واسطه ارائه گردد.

از میان روزنامه‌های آن روز خارج از ایران، روزنامه *حبل‌المتین* در مورد اخبار مربوط به قرارداد پیشرو بود.

مؤیدالاسلام در شماره ۱۳۴ سال اول به تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۲۵ روزنامه *حبل‌المتین* می‌نویسد:

مضمون عهدنامه مزبوره را در ۲۴ سپتامبر مخبر روتر [رویترا] و سایر وقایع‌نگاران جرائد اروپا منتشر کردند و روز شنبه ۲۶ شعبان در مجلس شورای ملی ما قرائت شد...  
سبحان‌الله کدام تمدن اذن می‌دهد که برای محافظت هندوستان، انگلیس مملکت ما را مال‌المصالحه قرار دهد و روس را در عوض سلب نفوذش در افغانستان و تبت از ممالک شمالی ایران عوض کرامت فرمایند، بله هر کس مضمون مقاله روزنامه ماتن را مطالعه کرده و به آن جمله برخورد کرده که می‌گوید (روس و انگلیس در قطعه آسیا مجاور دولی هستند که از شدت ضعف تاب یک حمله آنها را ندارند) می‌تواند بفهمد که این عهدنامه بلکه تقسیم‌نامه از شدت بی‌اعتنایی به قوای ما و سایر ممالک داخله در عهدنامه است اما آخر انسانیت کجا رفته؟ حقوق و آدمیت تا کی پایمال ستم بی‌رحمی و غلبه جابرانه باید باشد راستی این مطلب برای ما اسباب گریه و برای تماشاچیان ملل سایر موجب خنده است که شخص در خانه ملکی شخصی ارثی آباء و اجدادی نشسته و دیگران در غیاب آنها، در سر تقسیم خانه با هم قرارداد نمایند و نوشته در بین داد و ستد کنند، از همه عجب‌تر آنکه بعضی ساده‌لوحان که از حقایق و ضمائر دیپلمات‌ها غفلت دارند فریب کلمه (لیبرته - انتگریته) را خورده گمان دارند همه فصول معاهده مخصوص محافظت استقلال بلکه تمامیت استقلال بوده به این کلمه شیرین دلخوش می‌کنند که (احدی حق ندارد یک وجب از خاک ایران را تصاحب کند). بلکه انگلیس یک دولتی است که طالب صلح و سلم است به شرط آن که ذره‌ای به مستعمرات او خصوص نسبت به شبه جزیره

مثلت هندوستان خلل وارد نیاید.<sup>۳۱</sup>

همچنین نشریه تمدن در شماره ۳۳ به تاریخ ۲۸ رجب‌المرجب ۱۳۲۵ زیر عنوان «باید تعجیل کرد» می‌نویسد:

هر وقت قلم برمی‌دارم اوضاع به طوری منقلب و پریشان در نظر جلوه‌گر می‌گردد که دماغ را مجالی نمی‌ماند و بدون سبقت خیالی یکی از این دو عنوان بر قلم جاری می‌شود (ایران در مهلکه است) (معایب کار نتایج بی‌علمی است) هیچ نمی‌توان تصور نمود که از بدو شیوع تمدن و بروز ترقی در این عالم دولت و ملتی را این اندازه از موانع داخلی و خارجی جلو آمده و تا بدین حد عقلای قوم را اشکالات دچار گردیده باشد. اگر اندکی ما به حال حالیه عالم توجهی کنیم و از ترقی و انحطاط دول پی به بواطن و حقایق آن بریم و لختی نخوت دیروزی و غفلت امروزی را کنار گذاریم معاینه خواهیم دید که درخت استقلالمان از ریشه برآمد و از برای فنا و اضمحلالمان چیزی باقی نمانده.

به عین حال ما بسان حال گروهی پریشان در مانده ماند که در کلبه خرابه که حصار آن از طول زمان در شرف انهدام باشد خزیده درب خانه را باز گذارده در موقعی که جمعی طرار غارتگر در بیرون مهیای تخریب آن بنا باشند در کمال غفلت به خود مشغول باشند... امروز با این حال مملکت مردمان کاردان عاقل لازم است مردمان با خیرت و با بصیرت لازم است.

حالت حالیه مملکت مراکش را ملاحظه نمایید. آن هم مملکت اسلامی بود ببینید عبرت بگیرید که دولت فرانسه به چه تمهیدات او را لقمه قسمت خود دانسته و سایرین را از آن بی‌نصیب ساخته. امروز جز به راه تدبیر به راه علم قدمی نتوان برداشت چرا قدری ملاحظه نمی‌کنید که دوستی دول تمام از روی پلتیک است اگر امروز از طرف این دو دولت نسبت به ایران خیالی پیش آید هیچ دولتی ممانعت نخواهد کرد.<sup>۳۲</sup>

همچنین روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان که در شهر اصفهان چاپ شده است، در شماره ۴۶ مورخه ۱۰ شوال ۱۳۲۵ خبری با عنوان «قانون سوم» به قرارداد ۱۹۰۷ م. راجع به ایران پرداخته است و می‌نویسد:

... الآن از اطراف کشتی مملکت ایران در تلاطم امواج نزدیکان است از یک طرف روس از یک طرف انگلیس از یک طرف عثمانی و همین طور همه ساکت و صامت نشسته‌اند اگر عجز دارند بگویند اگر کاری می‌کنند بسم الله دیگر کسی باید مهیا باشد غرض تا کی استبداد تا چند وزرا باید نگاه‌داری مملکت کنند وزرا باید پادشاه را بیدار کنند هیچ مملکتی به باد نرفت مگر من باب خیانت وزرا و نفاق خودیها این دست بالای دست

نهادن وزرا به یکی از دو جهت است یا از عجز است یا اینکه مایل این مطلب و رسانده خودشان می‌باشند چنان که در مشروطه شدن دولت فرانسه خیلی این کارها را کردند و چهار دولت اطراف قراردادند دیگر اقل و هوشمند باید بفهمند و وکلاء عاقل مجلس باید استنباط نمایند و خودشان چاره‌جویی کنند که ایران در خطر است معاهده روس و انگلیس در نظر است کی این کارها صحیح است نمی‌دانم سکوت تا کی و تا چند امروز دیگر تزویر است ظاهر و یوم تبلی السرائر است ملت بیدار شده‌اند و گول بعضی پلتیک‌ها را نمی‌خورند.<sup>۳۳</sup>

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که واکنش ایران به قرارداد ۱۹۰۷ م. به صورت‌های مختلف بوده است. مجلس شورای ملی و نمایندگان مجلس، مطبوعات و روزنامه‌های آن روز تهران و شهرستان‌ها از قبیل جبل‌المتین، تمدن، الجمال، انجمن ملی مقدس اصفهان و روزنامه انجمن - که ناشر افکار انجمن ایالتی آذربایجان بود - هر یک به گونه‌ای واکنش نشان دادند. نحوه عکس‌العمل دولت وقت ایران نیز با اسناد مربوط به قرارداد ۱۹۰۷ م. راجع به ایران که در آرشیو وزارت امور خارجه نگهداری می‌شود<sup>۳۴</sup>، گویای اعتراض دولت ایران به قرارداد ۱۹۰۷ م. است. این اسناد شامل نامه‌های رد و بدل شده میان سفارتخانه‌ها و وزارت امور خارجه و همچنین گزارش‌های تحلیلی نمایندگان ایران در خارج از کشور مانند نامه ممتازالملک، وزیرمختار ایران در واشنگتن است که در تاریخ ۴ شوال ۱۳۲۵ به درخواست وزیرمختار ایران در لندن به وزارت امور خارجه ایران نوشته است. اما آنچه مشهود است اعتراض دولت از حد نامه فراتر نرفت.

## پانوشتها

\* دکترای تاریخ دانشگاه تهران

1- Bery J. Williams. The Strategic Background to the Anglo-Russian Entente of August 1907. The Historical Journal. Vol.9. No.3. (1966). PP.360-373. 1966. p.360-373.

2- Sir Henry Drummond Wolf.

- ۳- رایت، سر دنیس؛ انگلیسیان در ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار (تهران، دنیا، ۱۳۵۷)، ص ۳۵.
- ۴- ترنزیو پیرکارلو، رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، ۱۳۶۳، صص ۱۵۱ و ۱۵۲.
- ۵- وحید مازندرانی، غ، قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، (تهران: کتابخانه سقراط، ۱۳۲۸)، ص ۸.
- ۶- نصر، سیدتقی، ایران در برخورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطیت (بی‌جا: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳)، صص ۳۰۹ و ۳۱۰.
- ۷- وحید مازندرانی، ۱۳۲۸، ص ۱۰.
- ۸- ترکمان، محمد، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران. (۱۹۲۱-۷۸۲۱)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۳۶.
- ۹- همان، همانجا.
- ۱۰- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۳-۴-۹-۱۳۲۴ه ق.
- ۱۱- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۷-۴-۹-۱۳۲۴ه ق.
- ۱۲- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۷۱-۴-۸-۱۳۲۴ه ق.
- ۱۳- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹، ج ۷)، ص ۳۲۰.
- ۱۴- وحید مازندرانی، ۱۳۲۸، صص ۳۸ و ۳۹.
- ۱۵- همان، صص ۳۹-۴۱.
- ۱۶- حسن نیا و دیگران، قرارداد ۱۹۰۷ به روایت اسناد وزارت امور خارجه ایران، خانه کتاب، ۱۳۸۷، ص ۲۴.
- ۱۷- ترنزیو، ۱۳۶۳، ص ۱۶۹.
- ۱۸- وحید مازندرانی، ۱۳۲۸، ص ۴۳.
- ۱۹- حسن نیا و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۶.
- ۲۰- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم میلادی، ج ۶، اقبال، ۱۳۳۵، چ چهارم، ص ۲۸۹.
- ۲۱- وحید مازندرانی، ۱۳۲۹، صص ۴۲ و ۴۳.
- ۲۲- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۱۲-۴-۹-۱۳۲۴ه ق.
- ۲۳- حسن نیا و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۶.
- ۲۴- نصر، ۱۳۶۳، صص ۴۱۷-۴۱۵.
- ۲۵- حسن نیا و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۷.
- ۲۶- محمود، ۱۳۳۵، ج ۴، ص ۳۸۷.
- ۲۷- وحید مازندرانی، غ، قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، (تهران: کتابخانه سقراط، ۱۳۲۸)، ص ۸، ص ۴۵۸.
- ۲۸- حسن نیا و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۸.
- ۲۹- صورت مذاکرات مجلس، ۱۳۲۴ه ق، صص ۳۴۰ و ۳۴۱.
- ۳۰- همان، ص ۳۳۳.
- ۳۱- حبل‌المتین، ۱۳۲۵ه ق، ش ۱۳۴، ص ۱.
- ۳۲- تمدن، س اول، ش ۳۳ (۲۸ رجب ۱۳۲۵ق.): صص ۱ و ۲.
- ۳۳- انجمن مقدس ملی اصفهان، س اول، ش ۴۶ (۱۰ شوال ۱۳۲۵)، ۱۳۸۵، ص ۳۳۷.
- ۳۴- حسن نیا و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۴۷.